

روشنفکران ما برای چیزهایی مبارزه می کنند که به زودی آن را از دست خواهند داد



گفت و گو با دکتر محمد حسین ادیب، عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

ترکیب بسیار عجیبی ایجاد شده است؛ هنوز مشکلات صنعتی شدن را هضم نکرده ایم که با عوارض عصر فراصنعتی روبه رو شده ایم.

■ عصر فراصنعتی را بیشتر با اصطلاحات راست می توان فهمید یا به کمک اصطلاحات چپ؟

□ اصطلاحات راست و چپ، از بقایای عصر صنعتی اند و از این پس، درموزه تاریخ جای خواهند داشت.

■ اختلاف بین دوجناح در ایران را در این چارچوب، چگونه توضیح می دهید؟

□ دوجناح، گاه بر سر چیزهایی که اساساً عصرشان به پایان رسیده، بایکدیگر چالش دارند. درست مثل اینکه برای به دست آوردن جایی در یک کشتی در حال غرق شدن بر یکدیگر سبقت بجوییم.

■ نظرتان در مورد لیبرالیسم چیست؟ جناح راست، لیبرالیسم را بزرگترین خطری می داند که ایران را تهدید می کند.

□ باتمدن موج سوم، لیبرالیسم در غرب فرو ریخت. دیگر در غرب، چیزی به نام لیبرالیسم وجود ندارد. ما در ایران نیز دیگر نمی توانیم لیبرال داشته باشیم. لیبرالیسم با جوهره تمدن موج سوم منافات دارد.

■ نسبت جامعه ایران با تمدن صنعتی و عوارض فرهنگی آن چه

■ آینده را چگونه ارزیابی می کنید؟

□ ما به سوی نوع جدیدی از جامعه پیش می رویم.

■ ویژگی عمده این جامعه نو چیست؟

□ ایران باید خود را برای خارج شدن از عصر صنعتی آماده کند.

■ اما ایران هنوز عصر صنعتی شدن را به پایان نرسانده است!

□ حقیقت این است که ما برای اخذ عادت هایی که ژاپن امروز، در صدد ترک آن است، به ستوه آمدیم.

■ ایران کشوری است در حال گذار از یک جامعه سنتی به جامعه صنعتی...!

□ ما کسانی را در کشور می بینیم که می خواهند به هر قیمت این نظام صنعتی در حال احتضار را سرپا نگاهدارند.

■ شما می خواهید بگویید سه نوع جامعه وجود دارد: سنتی، صنعتی و فراصنعتی و ایران در حال گذار به جامعه فراصنعتی است؟

□ غرب پس از سپری کردن عصر صنعتی، ۱۵ سال است که وارد دوره فراصنعتی شده است. اما ایران هنوز در مواردی در عصر ماقبل صنعتی قرار دارد، در برخی از امور در عصر صنعتی است و در حوزه هایی - به خصوص در صنعت و زیرساخت های ارتباطی - وارد عصر فراصنعتی شده است.

می‌شود؟

□ تمدن صنعتی در حال متلاشی شدن است و از بقایای آن در غرب، جامعه فراصنعتی شکل گرفته است.

■ و کسانی که از شیوه عصر صنعتی دفاع می‌کنند...؟! □

□ بیش از پیش عرصه را بر خود تنگ خواهند یافت.

■ اقتصاد موج سوم چه تأثیرات فرهنگی دارد؟ □

□ اقتصاد موج سوم به تحول عظیمی در شیوه زندگی، کار، تفریح و تفکر منتهی می‌شود.

■ مهم‌ترین شاخصه اقتصاد موج سوم چیست؟ □

□ شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی و به تبع آن ادغام اقتصادهای ملی در اقتصاد جهانی. با شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی، مرزهای ملی اقتصادی، مفهوم خود را از دست می‌دهد.

■ اگر روح حاکم بر اقتصاد موج سوم درک شود...؟ □

□ بسیاری از رخدادها بی معنا در جامعه ایران ناگهان قابل فهم می‌شوند.

■ حاکمیت اقتصاد موج سوم بر مناسبات قدرت چه تأثیری دارد؟ □

□ همه روابط کهنه قدرت و مزایا و حقوق نخبگان در ایران را مورد سوال قرار می‌دهد.

■ اقتصاد موج سوم یا اقتصاد فراصنعتی چه تأثیری بر صنایع دارد؟ □

□ در جامعه موج دوم، کارگر در کارخانه باید کالا را دستکاری می‌کرد، اما امروز، با توسعه صنایع موج سوم، متخصص کامپیوتر (کارگر دیروز) باید اطلاعات، ارقام، ایده‌ها و برنامه‌ها را دستکاری کند.

■ تقسیم کار چگونه خواهد بود؟ □

□ تقسیم کار، بیش از پیش باریک‌تر می‌شود.

■ سرانجام کارگران بیدی چه خواهد شد؟ □

□ در جامعه ایران، شاهد کاهش شمار کارگران دستی و افزایش یقه سفیدان خواهیم بود.

■ در نهایت، اقتصاد موج سوم چه تأثیری بر زندگی ایرانی دارد؟ □

□ همراه با اقتصاد موج سوم شیوه نویی از زندگی به وجود می‌آید.

■ آیا این اقتصاد، بر رفتار اجتماعی هم تأثیر دارد؟ □

□ اقتصاد موج سوم، قواعد جدیدی برای رفتار ما وضع می‌کند.

■ آینده چه دیالوگی با حال خواهد داشت؟ □

□ آینده، تداوم حال نخواهد بود. دنیایی که می‌شناسیم تا ابد دوام نخواهد داشت.

■ اقتصاد موج سوم، بر نظام اداری ایران چه تأثیری می‌گذارد...؟ □

□ نظام قدیمی وستنی مارا به مبارزه می‌خواند، نظام اداری را واژگون می‌سازد و قدرت دولت ملی را تحلیل می‌برد.

■ با عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، به عنوان نمونه

آشکارا اقتصاد موج سوم، موقعیت زن ایرانی چه تغییری می‌کند؟ □

□ تمایل ندارم به این سؤال پاسخ بدهم. شما حق دارید سؤال کنید، من هم حق دارم جواب ندهم.

■ شما در مقاله ای نوشته بودید مخالف نجات صنایع در حال

اختضار کنونی هستید؟ □

□ صنایع، باید برنامه داشته باشند که از صنایع موج دوم موجود، به صنایع موج سومی تبدیل شوند. هر کارخانه‌ای که فاقد برنامه تبدیل باشد، نباید مورد حمایت قرار بگیرد. بدون استراتژی تبدیل، حمایت از صنایع موج دومی موجود بی فایده است و بسیار گران تمام می‌شود.

■ ولی اقتصاد موج سوم بر حداقل اشتغال استوار است. صنایع

موج سومی، به جای اینکه کار بر باشد، دانش بر است و این به موج بیکاری دامن می‌زند.

□ اقتصاد موج سوم، بیکاران بازمانده از موج دوم - از جمله در بخش صنایع - را تا آموزش جدید نبینند، جذب نخواهد کرد. ساده لوحانه است اگر تصور می‌کنیم انبوه کارگران اخراج شده نساجی، فولاد، اتومبیل سازی و... به طرز معجزه آسایی در اقتصاد موج سوم، کار پیدا خواهند کرد.

■ برای تغییر دادن این جریان چه می‌توانیم انجام دهیم؟ □

□ برای تغییر دادن سیر دگرگونی، کاری از دست ماساخته نیست. حداقل با انضباط فکری من، راه حلی متصور نیست.

■ نظر شما در مورد دموکراسی چیست؟ □

□ دموکراسی پدیده‌ای مربوط به عصر صنعتی است. با تشکیل جوامع فراصنعتی، دموکراسی فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد. الان اگر تظاهراتی که علیه سازمان تجارت جهانی صورت می‌گیرد را دنبال کنیم می‌بینیم که تظاهرکنندگان باریک نکته تاکید می‌کنند: با جهانی شدن اقتصاد، دموکراسی، فلسفه وجودی خود را از دست داده است.

■ چرا؟ □

□ مردم در انتخابات شرکت می‌کنند و نماینده انتخاب می‌کنند تا این نمایندگان در مجلس خواسته‌های آنها را به مصوبه قانونی تبدیل کنند؛ اما اگر کشوری به عضویت سازمان تجارت جهانی پذیرفته شود، مجلس تقریباً در پنج زمینه حق دارد مصوبه داشته باشد: ۱. آموزش؛ ۲. تامین اجتماعی؛ ۳. بهداشت؛ ۴. امنیت و دفاع ملی؛ ۵. محیط زیست؛

اگر بخواهیم خیلی دقیق حرف بزنیم چند مورد دیگر هم می‌توان به فهرست بالا اضافه کرد. به عبارت دیگر، مجلس دیگر حق دخالت در بسیاری از امور را نخواهد داشت. من این موضوع را در کتاب «ایران و سازمان تجارت جهانی» توضیح داده‌ام و نمی‌خواهم اینجا آن مطالب را تکرار کنم.

تظاهرکنندگان علیه سازمان تجارت جهانی می‌گویند که با شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی، تقریباً مجلس نمایندگان ملت هیچ کاره است. رئیس قوه مجریه هم اقتدار بسیار محدودی خواهد داشت و جز در این ۶ - ۵ مورد نمی‌تواند در عرصه‌های دیگری دخالت کند.

■ و اگر دخالت کند؟ □

□ از ضوابط سازمان تجارت جهانی عدول کرده است.

■ یعنی رای مردم، تنها در پنج حوزه و یا مثلاً حداکثر ده حوزه می‌تواند به قانون تبدیل شود و مجلس و دولت، حق دخالت در هزاران حوزه دیگر را نخواهد داشت؟ □

□ در اقتصاد، حوزه دخالت دولت، به کمتر از ده حوزه محدود می شود، اما فرهنگ، مشمول ضوابط سازمان اقتصاد جهانی نیست.

■ آیا ایران که ظاهراً در زمینه نیروی انسانی و انرژی از مزیت نسبی برخوردار است، با عضویت در سازمان تجارت جهانی، آینده روشنی خواهد داشت؟

□ تا حدودی این حرف صحیح است، اما دونگته را مدنظر قرار دهیم:
الف - اشتباهی صنایع موج سوم، برای مصرف انرژی، کمتر از صنایع موج دومی است. سازمان تجارت جهانی در تحلیلی نشان می دهد در ۷۳ رشته از ۱۲۸ رشته صنعتی، مصرف انرژی در صنایع موج سوم، کمتر از $\frac{1}{3}$ صنایع موج دومی است. پس مزیت ما در زمینه انرژی، اساساً فلسفه وجودی خود را از دست خواهد داد.

ب - صنایع موج سوم اساساً بر حداقل اشتغال قرار دارد: در ۸۳ رشته، از ۱۲۸ رشته، نیروی انسانی صنایع موج سوم کمتر از $\frac{1}{38}$ صنایع موج دومی است. بنابراین ارزان بودن نیروی انسانی نیز خیلی گره گشا نیست.

■ موضوع بحث را عوض کنیم. کشورهای صنعتی عضو سازمان تجارت جهانی، کشورهای ثروتمندی هستند، ولی ثروت همیشه خوشبختی نمی آورد...!

□ ولی فقر همیشه بدبختی می آورد.

■ آیا ایران با عضویت در سازمان، با مشکلات زیادی روبه رو می شود؟

□ تعداد مشکلات به نظر من مهم نیست، جنس ونحوه برخورد با آن مهم است.

■ شما در مقالات خود شرط عضویت در سازمان تجارت جهانی را حاکمیت اقتصاد رقابتی می دانید؛ اقتصاد رقابتی یعنی چه؟

□ اقتصاد رقابتی یعنی: هر روز صبح باید ثابت کنی که سزاوار آن چیزی هستی که در دستهایت است وگرنه باید دوباره از نو شروع کنی.

■ آیا با عضویت مادر سازمان، قیمت کالاها آزاد می شود؟
□ رها سازی قیمت ها، مشوق رقابت است و به نوبه خود، موجب بهبود کارایی می شود.

■ پیام اصلی مطالب شما چیست؟

□ مهم ترین چالش های جامعه روشنفکری ایران مانند دموکراسی، لیبرالیسم و ... شعارهای مرده ای است مربوط به یک عصر پایان یافته. جامعه روشنفکری ایران، اسیر شعارهایی شده است که یک دهه دیگر، فلسفه وجودی نخواهد داشت. روشنفکران ما برای چیزهایی مبارزه می کنند که به زودی از دست خواهند داد.

■ عضویت در WTO چه آثار مثبتی دارد؟

□ عضویت در سازمان تجارت جهانی، یک سری انتخاب و ایده های تازه ایجاد می کند.

■ چه بخشی از آثار عضویت، در جامعه ایران پذیرفتنی نیست؟

□ درد نیایی که محصول پروسه جهانی شدن است، به تدریج، رضامندی فردی، جانشین وفاداری ملی به حکومت ها می شود.

■ سازمان تجارت جهانی چه هدفی را دنبال می کند؟

□ سازمان تجارت جهانی، هدف ندارد بلکه جریان دارد.

■ آینده سازمان تجارت جهانی را چگونه پیش بینی می کنید؟

□ در اجلاس سیاتل، تظاهرات میلیونی علیه سازمان تجارت جهانی، برگزار شد. به نظر بنده، بزودی تظاهرات میلیونی، به تظاهرات میلیاردی تبدیل می شود، چون سازمان تجارت جهانی، پدیده ای در حال تکوین است و هنوز مردم جهان متوجه عواقب نهایی این سازمان نیستند آن هنگام که سازمان تجارت جهانی، موجودیت عینی تری پیدا کند، موج مخالفت ها بسیار گسترده تر خواهد شد.

■ و حرف آخر شما؟

□ ما اینجا هستیم، چون چشمانمان دیگری را نمی بیند!

■ اما به نظرمی رسد چشم اندازی که شما از روند کنونی ترسیم کردید، یک تناقض جدی به چشم می خورد: در تظاهرات میلیونی علیه سازمان تجارت جهانی در سیاتل، شعارهای ضد سرمایه داری و عدالت خواهانه داده شد که ظاهراً متعلق به دوران مدرنیسم است، در حالی که شما معتقدید باید شعارهای دوران مدرنیسم را رها کرد و به اقتضانات دوران پست مدرن توجه نمود. این تناقض را چگونه توجیه می کنید؟

□ از دیدگاه من پست مدرنیسم آخر داستان نیست. پست مدرنیسم همانند مدرنیسم نیروهایی را علیه خود پرورش می دهد و سازماندهی می کند.

این یک داستان ناتمام است...

